



صفحه ۳

نیروهای مسلح یمن در پاسخ به حمله جنگنده‌های عربستان به الحدیده
تأسیسات مهم نفتی آرامکو در جازان و ینبع را با موشک و پهپاد به آتش کشیدند

دود محاصره

گزارش «وطن امروز» از ناکامی واشنگتن در تحقق اهداف راهبردی از طریق تشدید حملات نظامی

ترامپ روی اژه ایرانی

عملیاتی آمریکا را افزایش می‌دهد اما تضمینی برای تغییر معادلات سیاسی ایجاد نمی‌کند. هر چه زمان می‌گذرد، روشن‌تر می‌شود میدان اصلی رقابت، از حملات کلاسیک به سمت جنگ‌های ترکیبی، نبرد اطلاعاتی، عملیات سایبری و رقابت در حوزه ادراک عمومی حرکت کرده است؛ این همان مسأله‌ای است که آمریکایی‌ها با کاریکاتوریزه کردن قدرت ایران، سال‌ها تلاش کرده بودند آن را تقلیل دهند اما حالا در عرصه میدان خود را نمایش داده است. به همین دلیل، صرف افزایش حجم حملات هوایی نمی‌تواند خلأهای راهبردی آمریکا را جبران کند.

■ **حمله به زیرساخت‌ها؛ تغییر راهبرد یا اعتراف به بن‌بست؟** یکی از تفاوت‌های مرحله جدید بحران، افزایش حملات به زیرساخت‌های اقتصادی و خدماتی است. پل‌ها، مسیرهای مواصلاتی، تأسیسات انرژی و برخی مراکز غیرنظامی بیش از گذشته در معرض تهدید قرار گرفته‌اند.

چنین رویکردی معمولاً زمانی در دستور کار قرار می‌گیرد که حملات مستقیم به اهداف نظامی، نتوانسته باشد نتیجه مورد انتظار را ایجاد کند.

ادامه در صفحه ۲

میدانی نشان داد این هدف با عملیات محدود نظامی قابل تحقق نیست. واقعیت آن است که امنیت این آبراه، بیش از هر چیز، تابع موازنه قدرت در منطقه است، نه صرفاً حضور ناوهای آمریکا. به همین دلیل، هرگونه تلاش برای نادیده گرفتن نقش ایران در این معادله، عملاً با واقعیت‌های ژئوپلیتیک منطقه در تضاد قرار می‌گیرد. این بدان معناست که یکی از مهم‌ترین ابزارهای فشار ایران همچنان حفظ شده و همین موضوع، آمریکا را در طراحی مراحل بعد بحران محدود کرده است.

■ **قدرت هوایی؛ ابزار مؤثر اما نه تعیین‌کننده**

یکی از مهم‌ترین درس‌های جنگ‌های ۲ دهه اخیر این است که برتری هوایی، الزاماً به معنای پیروزی راهبردی نیست. آمریکا در عراق، افغانستان و حتی در برخی عملیات‌های منطقه‌ای، از نظر فضاوری و توان هوایی برتری مطلق داشت اما این برتری همیشه به تحقق اهداف سیاسی منجر نشد. دور جدید حملات به کشورمان نیز همین واقعیت را بار دیگر آشکار کرد. استقرار بمب‌افکن‌های بیشتر، افزایش هواپیماهای سوخت‌رسان، تقویت ناوگان دریایی و گسترش آرایش نظامی، اگرچه ظرفیت

ناامن نشان دادن کشور، ایجاد نگرانی در افکار عمومی و القای این تصور که ادامه مقاومت هزینه‌ای سنگین خواهد داشت، اجزای مکمل این راهبردند اما شواهد موجود نشان می‌دهد این محاسبه به نتیجه مطلوب دشمن نرسیده؛ نه نشانه‌ای از عقب‌نشینی در مواضع رسمی ایران دیده می‌شود و نه ابزارهای راهبردی تهران از دستور کار خارج شده است.

این مسأله نشان می‌دهد عملیات نظامی، برخلاف انتظار طراحان آن، نتوانسته میان هدف نظامی و نتیجه سیاسی پیوند برقرار کند. همین ناکامی، شاید مهم‌ترین انتظار طراحان آن، نتوانسته میان هدف نظامی و نتیجه سیاسی پیوند برقرار کند. همین ناکامی، شاید مهم‌ترین

ویژگی مرحله جدید بحران باشد؛ مرحله‌ای که در آن، قدرت سخت دیگر به تنهایی تضمین‌کننده دستیابی به اهداف سیاسی نیست.

■ **هرمز؛ برگ برنده‌ای که همچنان باقی است**

یکی از مهم‌ترین محورهای این تقابل، جایگاه تنگه هرمز در معادلات امنیت انرژی جهان است. این آبراه تنها محل عبور نفتکش‌ها نیست، بلکه مهم‌ترین اهرم ژئوپلیتیک ایران در برابر فشارهای خارجی محسوب می‌شود. از همان ابتدای تشدید تنش‌ها، یکی از اهداف پیروزی میدانی باشد، قصد دارد فضای روانی و سیاسی بازگرداندن شرایط به وضعیت پیشین بود اما تحولات

نشده، بلکه بسیاری از معادلاتی که طراحان آمریکایی بر مبنای آن تصمیم گرفته بودند، اکنون با چالش‌های جدی روبه‌رو شده است. در واقع، آنچه امروز در برابر دیدگان ناظران قرار دارد، بیش از آنکه نمایش قدرت آمریکا باشد، آشکار شدن محدودیت‌های استفاده از قدرت نظامی در برابر کشوری است که طی سال‌های گذشته، یزدارندگی خود را بر پایه ترکیبی از توان نظامی، ژئوپلیتیک و تاب‌آوری داخلی بنا کرده است. ■ **هدف اصلی؛ تغییر محاسبات، نه صرفاً تخریب اهداف**

در تحلیل جنگ آمریکا علیه ایران مشخص است هدف نهایی حملات نظامی، تخریب تأسیسات یا وارد کردن خسارات فیزیکی نبود، بلکه مهم‌تر از آن، تغییر محاسبات تصمیم‌گیران و جامعه هدف بود؛ موضوعی که بارها و بارها توسط مقامات دولت آمریکا بازگو شده است.

به بیان دیگر، اگر آمریکا بتواند بدون تغییر رفتار ایران صرفاً خسارت وارد کند، هنوز به موفقیت راهبردی دست نیافته است. به نظر می‌رسد آمریکا نیز در دور جدید عملیات، بیش از آنکه به دنبال یک پیروزی میدانی باشد، قصد دارد فضای روانی و سیاسی ایران را دستخوش تغییر کند. افزایش فشار اقتصادی،



دیدگاه رضا رحمتی

با گذشت ۱۵ روز از دور جدید حملات آمریکا علیه ایران و پاسخ‌های هوشمندانه جمهوری اسلامی که مورد تصدیق تمام ناظران بین‌المللی قرار گرفته، مشخص است این جنگ تنها در میدان نبرد تعیین تکلیف نمی‌شود. مشخص است آنچه سرنوشت جنگ را مشخص می‌کند، میزان تحقق اهداف سیاسی و راهبردی طرفین است. از همین منظر، دور جدید حملات آمریکا علیه ایران را نیز باید نه صرفاً با شمار اهداف مورد اصابت یا حجم آتش، بلکه با این پرسش ارزیابی کرد: آیا این عملیات توانسته محاسبات تهران را تغییر دهد؟

تا اینجا کار، پاسخ به این پرسش چندان به سود واشنگتن نیست. آمریکا با این تصور وارد مرحله جدید درگیری شد که ترکیب فشار نظامی، عملیات روانی و تهدید زیرساخت‌های حیاتی، ایران را به تغییر رفتار وادار خواهد کرد؛ تغییری که در نهایت مسیر را برای یک توافق از موضع برتر برای آمریکا هموار کند اما روند تحولات نشان می‌دهد نه تنها چنین هدفی محقق

تیتراهای امروز



گزارش «وطن امروز» درباره سناریوهای احتمالی آمریکا علیه ایران و بن‌بست ترامپ در مسیر نظامی

گیجی جنگی!

با گذشت ۱۵۰ روز از آغاز جنگ چرا بازگشت مجدد آمریکا به درگیری نظامی علیه ایران، واقعیت جدیدی خلق نخواهد کرد؟

ترامپ از کجا می‌خورد؟

گزارش «وطن امروز» از ناکامی واشنگتن در تحقق اهداف راهبردی از طریق تشدید حملات نظامی

ترامپ روی اژه ایرانی

صفحات یک و ۲

اعلام تمایل مجدد ترامپ برای کاندیداتوری در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۸ آمریکا

شوخی شوخی جدی می‌شود؟

نگاه امیرعباس نوری

ترامپ روز گذشته در دیدار با فعالان رسانه‌ای آمریکا، یک بار دیگر از تمایلش برای کاندیداتوری در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۸ آمریکا گفت. وی با بیان اینکه برخی پیشنهاد دادند در این انتخابات کاندیدا شود و خودش هم نسبت به این موضوع تمایل دارد، کلاهی شبیه کلاه معروفش در انتخابات ۲۰۲۴ را روی سر گذاشت که روی آن نوشته شده بود: «TRUMP 2028».

ایین اقدام ترامپ بلافاصله در رسانه‌های آمریکایی مورد بحث قرار گرفت. اگرچه برخی رسانه‌های آمریکایی مانند سی‌ان‌ان این کار او را یک شوخی قلمداد کردند اما تحلیلگران با استناد به ابراز تمایل مکرر ترامپ نسبت به کاندیداتوری در انتخابات ۲۰۲۸ معتقدند او در تلاش برای جا انداختن این موضوع در افکار عمومی آمریکاست. درباره این اقدام ترامپ چند نکته قابل توجه است.

۱- این نخستین‌باری نیست که ترامپ برای کاندیداتوری در انتخابات ریاست جمهوری آینده آمریکا ابراز تمایل می‌کند. از ابتدای دوره دوم ریاست جمهوری، ترامپ چندین بار به بهانه‌های مختلف، چه در قالب طنز و مطایبه و چه به صورت جدی، این موضوع را مطرح کرده است. نکته قابل تأمل اینکه، طرح مجدد این موضوع، آن هم در جمع فعالان رسانه‌ای و نمایندگان مهم‌ترین رسانه‌های آمریکا باعث شده این موضوع جدی‌تر تلقی شود.

قاعداً تا طرح این موضوع در جمع اهالی رسانه و نمایندگان رسانه‌های معروف آمریکایی باعث می‌شود انتشار و بحث درباره کاندیداتوری ترامپ در انتخابات ۲۰۲۸ نسبت به دفعات قبل، ضریب بیشتری بگیرد.

۲- به لحاظ قانونی، ترامپ نمی‌تواند یک بار دیگر کاندیدای سمت ریاست جمهوری شود. متمم بیست‌دوم قانون اساسی آمریکا تصریح می‌کند «هیچ‌کس نباید بیش از ۲ بار به ریاست جمهوری انتخاب شود» اما به لحاظ قانونی امکان لغو این قانون وجود دارد.

اگر دیوان عالی آمریکا رای به لغو این قانون یا قائل شدن استثنا بدهد، در آن صورت ترامپ باید برای تصویب این متمم جدید در قانون اساسی آمریکا، رای دوسوم سنا را برای موافقت با این موضوع اخذ کند.

از سوی دیگر سه‌چهارم ایالت‌های آمریکا یعنی ۳۸ ایالت از ۵۰ ایالت نیز باید با این متمم موافقت کرده و رای به تشکیل کنوانسیون بدهند.

ادامه در صفحه ۴

در شبکه‌های اجتماعی

@vatanemrooz

